

یادداشت روز

به بهانه برگزاری «کارنوال انتقام»

عصاره صدای یک نسل



نغمه ثمنینی*

● کارگاه نمایش نامه‌نویسی برای من همواره محل مفرحی بوده است. محلی برای یافتن پلی نامرئی میان من و کسانی که حالا ۲۰ سال بعد از من به دنیا آمده‌اند. محلی برای چنگ‌انداختن به خاطراتشان، خواسته‌هایشان، رؤیاهایشان... محلی برای شنیدن و ساختن. امسال در هفتمین سال کارنوال‌های دانشجویان ادبیات نمایشی دانشگاه تهران، به تماشای ۱۱ منولوگ خواهیم نشست که مضمون کلی‌شان انتقام است. ۱۱ منولوگ از ۱۱ ذهن جوان و خلاق که روزهایی بسیار از زمستان سال ۹۴ را در کارگاه نمایش نامه‌نویسی به اندیشیدن و نوشتن و باز نوشتن گذراندند...

از آنجا که فکر می‌کنم هیچ کلاس نمایش‌نامه‌نویسی‌ای بدون نمایش کارها- هرچند کوتاه و محدود- کامل نیست، پس کلاس زمستان سرد ۹۴ را در تابستان ۹۵ با اجرای کارها در تماشاخانه موج نو به پایان خواهیم برد... و باز این عصاره صدای نسلی است که از خشونت و انتقام می‌گوید... از موضوعی به شدت روزمزه!

«استاد نمایش‌نامه‌نویسی دانشگاه تهران

پشت بوم

بهترین راه زنده‌داشت کیارستمی



حسین هاشم‌پور

● شایسته ایرانی نیست مرده‌پرست خوانده شود؛ اما این جمله کلیشه‌ای در واکنش به درگذشت عباس کیارستمی هم به اذهان خطور کرد: **یک** تا زنده بود در ایران تقدیر نشد؛ حتی بسیاری از فیلم‌هایش اکران نشد اما وقتی رفت، گفتند فقط او می‌دانست خانه دوست کجاست! و فردای رفتنش تلویزیون دو، سه فیلمش را پخش کرد!!

دو: ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۶ تنها چند روز مانده به یکی از عجیب‌ترین انتخابات تاریخ ایران، کیارستمی از پنج‌همین جشنواره کن، نخل طلا گرفت. روزهایی بسیار ملتهب که لاید به دولت و مدیریت سینمای وقت حق می‌داد فتح اورست سینمای دنیا به وسیله یک ایرانی را نادیده بگیرد و حتی از یک پیام تبریک خودداری کند (۱۴)، عجیب آنکه یک سال بعدش با ۱۰ سال بعدترش هم هیچ‌کس پیش‌قدم نشد برای او که دل در گرو مهر این خاک داشت، آیین گرامی‌داشتی، شایسته جایگاهش به پا کند، انکار هیچ‌کس متوجه نبود او با ماندن در ایران چه اعتبار بین‌المللی هنری و حتی سیاسی به سرزمین مادری می‌بخشد. همه دست‌روزی‌دست گذاشتند و گذاشتیم تا تیت سوزناک بزیم: «اولین استقبال، آخرین بدرقه».

راستش این اواخر هنرمندانی رفته‌اند که احضاف درباره‌شان کم شده بود؛ حسرت کنسرتی ناقابل که حبیب محبیان با خود به خاک سرد برد و دغدغه‌های انسان‌دوستانه پرویز کلانتری که بی‌سامان ماند. انبوه چنین رفتن‌هایی یادآوری می‌کند ما نه‌تنها قدرشناس هنرمندان مان نیستیم بلکه به موقعیت خاص هنر در این روزگار وانفسا هم پی نبرده‌ایم؛ روزهایی که جهانی‌شدن را چون لحاف چهل‌تکه می‌دوزند و تنها فرهنگ و هنر به واسطه آفرینش‌های خلاقانه بزرگانی هم‌تاز کیارستمی می‌تواند تک‌های از ایران به آن بوزد. از این‌رو می‌اندیشم بهترین راه برای زنده‌داشت عباس کیارستمی، گرامی‌داشت استاد شجریان و همه نخبان و بزرگانی است که به خون جگر، پرچم هنر ایران را برافراشته‌اند. کیارستمی را با رفق توقیف از قلم‌ها، حذف لغو از پیش‌روی کنسرت‌ها و زدودن محدودیت‌های عرصه نشر... عزیز نداریم. این گونه می‌توان سرزمینی که او بدن مهر می‌ورزید را در نگاه جهانیان عزت بخشید؛ سرزمینی که در آن هنرمند و اثر هنری، تابیلوی ورود ممنوع نمی‌بیند. هفدهم فروردین تیترا این ستون شده بود «ما زرگران خوبی نبودیم»، اشاره به این نکته که قدر روزهایی چون کیارستمی و شجریان را ندانسته‌ایم؛ باید فوری یک اصلاح تاریخی کنیم. شاید یک جراحی ژنتیکی، ریزا زرد است که قدر او فردای نبون بزرگان‌مان فقط بدرقه‌کنندگان و عزاداران شیکی باشیم.

خانه دوست

یادبود کیارستمی در کانون

● **شرق:** مراسم یادبود عباس کیارستمی ۲۲ تیر در محل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. به گزارش مهر، این مراسم روز سه‌شنبه از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود.

شرق: عکس‌ها و فیلم‌ها جایگزین شمع و کیک می‌شود. چند روزی از سالروز شصت‌وششمین تولد کاوه گلستان گذشته اما همین، بهانه‌ای برای برگزاری مراسمی به یاد عکاس ایرانی شده است. ۱۳ سال از درگذشت کاوه گلستان، عکاس و فیلم‌بردار ایرانی گذشته است. ۱۳ فروردین سال ۸۲ او در یک مأموریت تصویربرداری برای شبکه خبری بی‌بی‌سی در خط مقدم جنگ آمریکا علیه عراق، در شهر مرزی کفری در ۱۳۰ کیلومتری کرکوک در عراق بر اثر انفجار مین کشته شد. پس از آن، مراسم‌های مختلفی برای یادبود این هنرمند برگزار شد. امسال نیز به مناسبت تولدش قرار است نمایشگاهی از عکس‌ها و فیلم‌های کاوه گلستان در گالری شیرین برگزار شود. کاوه گلستان متولد ۱۷ تیر ۱۳۲۹ است و امسال هنگامه گلستان، همسر او به همراه تعدادی از اطرافیان و دوستانش، نمایشگاهی را برای شصت‌وششمین سال تولد این

عکاس تدارک دیده‌اند. در این نمایشگاه که روزهای ۲۳ و ۲۴ تیر برگزار می‌شود، حدود ۷۰ عکس به همراه چهار فیلم نشان داده خواهد شد. عکس‌های سیاه و سفید این نمایشگاه در سه اندازه ۳۰ در ۴۰، ۵۰ سانتی‌متر مربع بی‌بی‌سی در خط مقدم جنگ آمریکا علیه عراق، در شهر مرزی کفری در ۱۳۰ کیلومتری کرکوک در عراق بر اثر انفجار مین کشته شد. پس از آن، مراسم‌های مختلفی برای یادبود این هنرمند برگزار شد. امسال نیز به مناسبت تولدش قرار است نمایشگاهی از عکس‌ها و فیلم‌های کاوه گلستان در گالری شیرین برگزار شود. کاوه گلستان متولد ۱۷ تیر ۱۳۲۹ است و امسال هنگامه گلستان، همسر او به همراه تعدادی از اطرافیان و دوستانش، نمایشگاهی را برای شصت‌وششمین سال تولد این

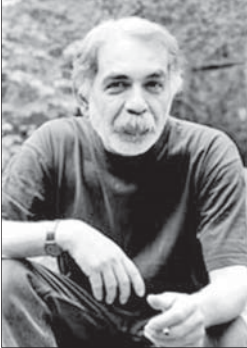
هنگامه گلستان خبر داد:

انتشار عکس‌های دیده‌نشده کاوه گلستان در یک کتاب

سورئال دارد، در این نمایشگاه به روی دیوار می‌رود که به گفته هنگامه گلستان این عکس‌ها به‌غیر

از یک‌بار که پیش از انقلاب در نمایشگاهی به نمایش درآمده بود، دیگر در معرض دید عموم گذاشته نشده است و به همین دلیل می‌توان گفت بعد از سال‌ها بار دیگر نشان داده می‌شود. در کنار این عکس‌ها، سه ویدئو و فیلمی از کاوه گلستان با عنوان «ثبت حقیقت» نمایش داده می‌شود.

هنگامه گلستان همچنین با تأیید اینکه قرار است کتابی از آثار کاوه گلستان منتشر شود، درباره جزئیات این کتاب به شرق گفت: «هنوز نمی‌توان زمان دقیقی درباره انتشار این کتاب اعلام کرد چون زمان زیادی



بوده که بخشی از آنها برای نمایشگاه رنرظ گرفته شده است.

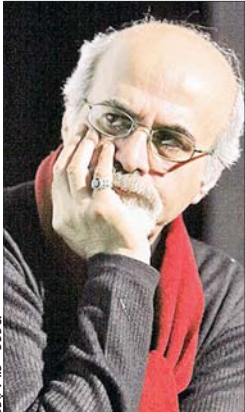
همچنین ۱۵ عکس کلاژ پلوراید نیز که فضایی

بررسی رونق دوباره سالن‌های تئاتر در گفت‌وگو با پری صابری، دشتی، حاتمی و غریب‌پور

اقبال‌ی که «اقبال» نیست



پری صابری



پری صابری



پری صابری



پری صابری

میزان که تئاتر‌های پرمخاطب قرار نیست فاقد کیفیتی باشند. بررسی ریشه‌های این موضوع نیاز به کار آماری و مطالعاتی دقیق دارد تا نسبت واقعی بین تماشاگر، کیفیت تئاتر و ازدیاد سالن و اجراها سنجیده شود.

پری صابری، از پیش‌کسوتان هنرهای نمایشی نیز فروش صد‌صدی تئاترها را در شهری مثل تهران، اقبال تلقی نمی‌کند و دراین‌باره می‌گوید: «در شهری که ۱۴ میلیون جمعیت دارد فروش سالن‌های تئاتری ناچیز

است چون تعداد سالن‌ها و اجراها محدود است. مردم تشنه تماشای تانترند و استقبال از تئاترها در شهری پرجمعیت اتفاق عجیب‌وغریبی نیست. من خوشحالم مردم از تئاتر، موسیقی و ویدئوهای هنری استقبال می‌کنند. اما به نظرم هنوز جمعیت مخاطب تئاتر با توجه به جمعیت کل تهران، چندان دلگرم‌کننده نیست».

بهروز غریب‌پور که خودش علاوه بر کارگردانی تئاتر تاکنون مدیریت چند مجموعه تئاتری را نیز برعهده داشته، درباره این موج به راه‌افتاده چنین نظر می‌دهد: «خوشبختانه در یکی، دو سال گذشته، رغبت عمومی به دیدن فیلم، تئاتر، کنسرت و نمایشگاه‌های تجسمی به طرز حیرت‌انگیزی بیشتر شده و این نشان‌دهنده نیازی است که به دلیلی که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان باید آن را بررسی کنند، سر باز کرده. میزان تماشاگران کنسرت‌ها و تئاترها خیلی بیشتر شده‌اند و این‌ها حاکم از اقبال عمومی به فعالیت‌های هنری است. تئاتر هم در وقت نیازنوسته به لحاظ مضمون با مردم ارتباط برقرار کند و با دغدغه‌های مردم هم‌پوشانی داشته باشد، با استقبال مردم مواجه شده و این اتفاق تازه‌ای نیست».

آیا این اقبال عمومی به تئاتر ادامه خواهد یافت؟ مسلمانا این مسوج اقبال مردم به تئاتر به‌عوامل مختلفی بستگی دارد که باید منظر ماند و دید این عوامل پایدار خواهد شد یا نه؟

واکنش‌ها به «محدودشدن اختیارات پلیس» در برپایی کنسرت‌ها

مشکل «اماکن» نیست

اداره اماکن نتوانست کنسرت خود را برگزار کند، پایان لغو کنسرت‌ها از سوی اماکن را اتفاقی فرخنده می‌داند. این نوازنده صاحب‌نام موسیقی مقامی تنبور می‌گوید: «بناب هرکسی را مجرم دانست، تمام کسانی که می‌خواهند کنسرت بدهند، مشخصات و پرونده ثبت‌شده دارند و اگر کار خلافی انجام دهند، می‌توان پیگیری کرد، اماکن وظیفه‌اش ایجاد امنیت است. اگر این نظارت را برعهده همان وزارت ارشاد بگذارند، یقیناً بهتر است. اگر وزارت ارشاد هم بخواهد در کار اماکن دخالت کند، باز هم مشکل‌زاست. هرکس باید در حوزه کاری خودش وظیفه‌اش را انجام دهد؛ اینکه قوه قضائیه و دادگستری هم کنسرت‌ها را لغو کنند درست نیست. قوه قضائیه در جایی که جرمی اتفاق افتاده یا حق الناسی ضایع شده یا شاکي وجود دارد، باید در ماجرا ورود کند. جامعه امروز نیاز به نشاط دارد و باید بتواند در مقابل تهاجم فرهنگی بایستد. لغو کنسرت‌ها خالی‌کردن میدان برای تهاجم است. مسلما هر تصمیمی که وزارت ارشاد می‌گیرد، براساس قوانین و مقررات همین نظام است. پس مشکل کجاست؟».

اخذ مجوز از اماکن در یک هفته

محمدحسین توتونچیان، تهیه‌کننده و برگزارکننده کنسرت، این اتفاق را بعید می‌داند اما می‌گوید اگر این اتفاق بیفتد، با توجه به حذف‌شدن یکی از مراحل اداری، سرعت اخذ مجوز هم بالاتر می‌رود و این به روند برگزاری کنسرت کمک خیلی زیادی می‌کند. او در ادامه تأکید می‌کند: «این‌گونه نبوده است که اداره اماکن همراه با جالش و دست‌انداز باشد. در طولانی‌ترین حالت، یک هفته زمان برای اخذ مجوز در اماکن صرف می‌شود و همچنین اگر اداره اماکن مجوزی را صادر کند، به هیچ عنوان لغو نمی‌شود». توتونچیان در کل این امر را بعید اما در صورت اتفاق افتادن، صرفاً کوتاه‌شدن مراحل اداری می‌داند. آگاهان، توافق نامه مذکور را نوعی «محدودشدن اختیارات پلیس» در مقوله برپایی کنسرت‌های موسیقی می‌دانند؛ با این حال سؤال بزرگ اینجاست که اساسا نقش پلیس در لغو کنسرت‌ها چقدر است؟



چهره روز

کنسرت موسیقی نو با مروری بر آثار علیرضا مشایخی



● **شرق:** «کنسرت موسیقی نو» روز چهارشنبه این هفته در تالار رودکی به مرور آثار علیرضا مشایخی می‌پردازد. کنسرت پیش‌رو از مجموعه کنسرت‌های «ارکستر موسیقی نو» است که این‌بار به مرور آثاری از علیرضا مشایخی اختصاص یافته است. در این کنسرت، «ارکستر موسیقی نو» به رهبری سعید علیجانی قطعات «افلیا شماره ۱» اپوس ۱۰۴، «و در این تنهایی» با گفثار و خوانش سپهر حسینی‌شاد اپوس ۱۴۵، «سنان شماره ۲» برای پیانو و ارکستر اپوس ۱۳۸ با نوازندگی مطهر حسینی و «مرکوری» برای پیانو و ارکستر اپوس ۱۹۶، با نوازندگی نگین انوشا را اجرا می‌کنند. همچنین قطعاتی از مجموعه «لحظه‌ها» برای دو ویلن اپوس ۱۱۹ شماره ۲ را پویا دهلاری و بهار فلسفی و «لحظه‌ها» برای پیانو اپوس ۱۱۹ شماره ۱ با نوازندگی مطهر حسینی و نگین انوشا اجرا خواهند شد. «گروه موسیقی تهران» در سال ۱۳۷۲ را استاد فریماه قوام‌صدری و علیرضا مشایخی تأسیس کردند که مهم‌ترین دستاورد آن معرفی بیش از ۴۵ آهنگساز ایرانی و تأسیس چندین فستیوال موسیقی و مهم‌ترین آنها «فستیوال موسیقی کلاسیک تا معاصر» است که پنج دوره آن برگزار شده است. این فستیوال ملهم از تّزهای فلسفه موسیقی علیرضا مشایخی، گستره‌ای وسیع از دوره‌های متفاوت تاریخ موسیقی را گرد هم می‌آورد. پس از تشکیل «گروه موسیقی تهران»، علیرضا مشایخی «ارکستر موسیقی نو» را تأسیس کرد، که از اهداف آن تبیین موسیقی نو در جلوه‌های گوناگون بوده است. این ارکستر تاکنون انتشار شش آلبوم را در کارنامه خود ثبت کرده است؛ ارکستر موسیقی نو، جشن، ساترن، کاکتوس سفید، متالیکس و اراونس. کنسرت موسیقی نو، ۲۳ تیر ساعت ۲۱ در تالار رودکی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت iranconcert.com مراجعه کنند.

یاد یار

بدرقه «الهی‌قمشه‌ای» به خانه ابدی

● **شرق:** مراسم تشییع پیکر مهرداد الهی‌قمشه‌ای، پژوهشگر ادبیات عرفانی، صبح روز گذشته (۲۱ تیر) با حضور چهره‌های فرهنگی در مقابل تالار وحدت برگزار شد. پیکر او براساس وصیت خودش، در مقبره خانوادگی‌شان در لوسان به خاک سپرده شد. احمد مسجدجامعی یکی از سخنرانان این مراسم بود. او در صحبت‌هایش گفت: «زنده‌ای الهی‌قمشه‌ای از خاندان وتیرا نیکویی بودند و این خاندان بر گردن فرهنگ، به‌خصوص فرهنگ دینی و آیینی ما، حق دارند. کمتر خانهای است که با ترجمه قرآن الهی‌قمشه‌ای مزین نشده باشند. خاتم قمشه‌ای از کلام پیشینیان روایت امروزی مطرح می‌کردند. معتقد بودند باید ببینیم چه چیزی از گفته گذشتگان به درد ما می‌خورد و می‌گفتند باید ببینیم مولوی چه مشکلی از ما را حل می‌کند و پاسخ‌گوی چه چیزی است». او ادامه داد: «جامعه ما به چنین زمانی نیاز دارد که بر همه تاثیرگذران و دریایی از علم هستند؛ اما متأسفانه در جامعه امروز ما چنین زمانی کمتر معرفی می‌شوند. امیدوارم ما هم همچون ایشان و برادرشان در راه معرف ایران و اسلام تلاش کنیم». فاطمه هاشمی، رئیس بنیاد بیماری‌های خاص و فرزند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، نیز در این مراسم سخنرانی کرد و گفت: «حضور من در اولین کلاس ایشان باعث علاقه‌ای شد تا در سایر کلاس‌های ایشان هم حضور داشته باشم. صحبت درباره ایران بسیار سخت است. هفته پیش او را دیدم اما امروز در مراسم تشییع او شرکت می‌کنم. ایشان نسبت به مردم مهرورزی می‌کردند. کمتر افراد متدینی هستند که خدا و مردم را در کنار هم ببینند و معتقد باشند مهم‌ترین چیزی که خداوند از انسان می‌خواهد، این است که به مردم محبت کنیم». از دیگر سخنرانان این مراسم افشین علا، داماد مهدیه الهی‌قمشه‌ای، بود. او در صحبت‌هایش گفت: «خوشا به حال ایشان که عمری با قرآن زیستند. ایشان می‌گفتند هرآنچه دارم از قرآن است. خداوند به ایشان توفیقی داده بود که زبان‌شان ترجمان ساده قرآن باشد تا پیام‌شان بر قلب همه بشنیدند. او عمرش را صرف قرآن کرد و به جهان و بشریت عشق ورزید. ما امروز با نانو قمشه‌ای وداع نمی‌کنیم و قرار بر سوگواری نیست. ایشان در تمام عمر جز پیام امید و مدارا، پیام دیگری نداشتند». ساعد باقری، سهیل محمودی و حسام‌الدین سراج نیز سخنرانی کردند. همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی بر پیکر او نماز خواند و چهره‌هایی چون ایرج حسابی، ناصر فیض، فاطمه راگهی، رضا رفیع، عثمان محمد، حمید شاه‌آبادی، عباس سجادی (رئیس فرهنگ‌سرای نیاوران)، مجید غلامی جلیسه (مدیرعامل خانه کتاب)، محسن مؤمنی‌شریف (رئیس حوزه هنری) و عبدالجبار کاکایی از حاضران در مراسم تشییع پیکر مهدیه الهی‌قمشه‌ای بودند.